

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۹

جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی

حسین خنیفر*

جواد زروندی**

نفیسه زروندی***

چکیده

امروزه دنیا شاهد تحولات و دگرگونی‌های گسترده و شگفت‌آوری در عرصه اقتصاد، ارتباطات، فرهنگ، سیاست، معاهدات و امور بین‌الملل در راستای جهانی شدن است. به علت وقوع این تغییرات و تحولات گسترده در جهان و اهمیت موضوع جهانی شدن، نمی‌توان آن را نادیده گرفت و از بحث و گفت‌وگو درباره آن چشم پوشید. واقع‌بینی آگاهانه نسبت به ابعاد گوناگون و پیچیده جهانی شدن، شناخت وضع موجود، درک کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های آن، به کارگیری مواضع سنجیده و برخورد آگاهانه و فعال در برابر آن، نیازمند شناخت عمیق و همه‌سویه آن است.

در جهان معاصر، مدعیان و نظریه‌پردازان جهانی شدن رو به فزونی نهاده‌اند. شیعه نیز با ارائه نظریه «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)» در طول قرن‌ها و سال‌های متمادی، داعیه‌دار اصلی جهان‌شمولی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و... بوده است؛ زیرا در اسلام، به‌ویژه در مکتب تشیع، توجه به آینده و تشکیل حکومت جهانی واحد بر اساس قسط و عدل و تحت رهبری امام معصوم، جایگاهی ویژه دارد. این مسئله در تاریخ اسلام، به نام مهدویت مطرح

* دانشیار دانشگاه تهران.

** کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشگاه. (javadzarvandi@gmail.com)

*** کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه تهران.

شده است. این اعتقاد از توانمندترین عوامل رشد و بالندگی جامعه اسلامی است و بقای اسلام و شیعه در گرو این حقیقت بزرگ است. از این رو در این نوشتار برآنیم از بحث‌های مطرح در زمینه جهانی شدن، ضمن ارائه چشم‌اندازی از آن، پلی برای فهم و درک حکومت جهانی مهدوی بزنیم و بررسی کنیم که جهانی شدن با آن حکومت عدل جهانی حضرت مهدی علیه السلام که در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی بارها و بارها با عناوین مختلف به آن اشاره شده است، چه وجه اشتراک و امتیازاتی دارد.

واژگان کلیدی

مهدویت، جهانی شدن، دهکده جهانی، فرهنگ، انقلاب اطلاعات.

مقدمه

با آغاز هزاره جدید، بشر به سطح کیفی نوینی از امکانات دست می‌یابد که چهره جهان مدرن و همه پیوندها و ارتباطات بین‌المللی آن را به گونه قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌دهد. این همان چیزی است که این روزها ورد زبان سیاستمداران، اقتصاددانان، فیلسوفان و جامعه‌شناسان با گرایش‌های گوناگون شده است. در این که نوع بشر به سرعت مسیر یکپارچگی را طی می‌کند و رو به اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی دارد، تردیدی نیست. جهانی شدن به عنوان پدیده‌ای مهم و نوظهور که دارای ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، همه ساختارهای فرهنگی و اجتماعی را تحت‌تأثیر و تحول قرار داده و به صورت اجتناب‌ناپذیر، ادیان و فرهنگ‌های همه جوامع را دچار چالش کرده است. تحولات صورت گرفته در ابزار و شیوه‌های ارتباطات و جابه‌جایی‌های منابع و مردم، آشکارا می‌توانند بر انهدام حد و مرزهای اجتماعی تأثیر گذاشته، همبستگی و یکپارچگی بیش‌تری را موجب گردند. (کارگر، ۱۳۸۷: ۵)

به قول برخی از متفکران، جهانی شدن گزینه‌ای انتخابی نیست که شما اراده کنید آن را بپذیرید یا خیر، بلکه کاروانی است که هم‌زمان، در همه شاهراه‌های دنیا، به سرعت در حال حرکت است و کشورها نیز توان متوقف کردن آن را ندارند. پیام بازیگران عرصه جهانی شدن نیز آن است که نیروهای اقتصادی و دانش فنی، به سمت همگونی و یکدستی در اشکال سیاسی، اقتصادی و رفتارهای دولتی پیش خواهند رفت. (همو: ۶)

جهانی شدن، مبین نوعی جهان‌بینی و ایدئولوژی و اندیشیدن درباره جهان، به عنوان منظومه‌ای کلان و به هم پیوسته است. بنابراین، رویارویی معقول با این پدیده جهانی و فراگیر، مستلزم شناخت واقع‌بینانه ماهیت، مبانی و اقتضائات این فرآیند است و با توجه به تأثیر آن بر وضعیت فرهنگ‌ها و ادیان، این مسئله برای جوامع اسلامی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل دینی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آید. از این رو بنا به تفسیر و شناختی که از فرآیند جهانی شدن یا فرآیندهای جهانی شدن داریم، رویارویی ما متفاوت خواهد بود.

با توجه به وضعیت امروز بشریت و جهان و ناامیدی حاکم بر بیش تر انسان‌ها و جهان، نیاز روزافزون جوامع به مسائل اخلاقی و اعتقادی، به‌ویژه مباحث مهدویت و ضرورت پژوهش مبتنی بر اصول و قواعد درست در این زمینه آشکارتر شده است. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام خط بطلانی بر انواع گوناگون حکومت‌ها، نظریات، برنامه‌ها و طرح‌های ارائه شده در عرصه جهانی است، به‌طوری که تمامی این نظریات و حکومت‌ها، امتحان خود را پس خواهند داد و مردم به پوچی، ضعف و بطلان آن پی خواهند برد و با آغوش باز و تشنگی بسیار پذیرای دولت مهدوی خواهند بود. چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

امر ظهور واقع نمی‌شود، مگر بعد از آن که هر طبقه‌ای به حکومت برسند و دیگر طبقه‌ای در روی زمین باقی نباشد که حکومت نکرده باشد تا دیگر کسی نتواند ادعا کند که اگر زمام امور به دست ما می‌رسید، ما عدالت را پیاده می‌کردیم. آن‌گاه حضرت قائم، قیام کرده، حق و عدالت را پیاده می‌کند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۴)

به هر حال جهانی شدن در ابعاد گوناگون خود (اقتصاد، فرهنگ، سیاست، مذهب و...) مباحث گوناگونی می‌طلبد. آن‌چه در این نوشتار مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد، تنها مسئله حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام در مقایسه با جهانی شدن است. از این‌رو مسئله پیش رو در این نوشتار این است که آیا جهانی شدن، همان حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است یا غیر آن؟ آیا جهانی شدن با آن حکومت عدل جهانی حضرت مهدی علیه السلام وجه اشتراکی دارد؟ در صورت مثبت بودن جواب، این وجه اشتراکات چیست؟

جهانی شدن

جهانی شدن فرآیندی است که فضای اکتشافات علمی، به‌ویژه تکنولوژی ارتباطات، این فضا را که عنصر اصلی آن ارتباطات فزاینده و از بین رفتن فاصله‌های زمانی و مکانی و تراکم آگاهی است را به وجود آورده و در واقع، جهانی شدن، فرآیند انقلاب اطلاعات و تحول علمی جامعه بشر و توسعه فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و در نتیجه تشدید روابط در ابعاد گوناگون شئون بشری است، به‌طوری که از اهمیت مرزها و فواصل جغرافیایی می‌کاهد. (نکویی سامانی، ۱۳۸۶: ۲۰)

در اثر جهانی شدن، بشر با بهره‌گیری از علم و تکنیک و استفاده درست از عقل خویش نسبت به قرون گذشته، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی را در تمام زمینه‌ها ایجاد نموده است. تأسیس نهادهای بزرگ بین‌المللی مانند تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) و سازمان‌های وابسته به آن، مانند دیوان بین‌المللی دادگستری (لا‌هه)، سازمان بهداشت جهانی (یونسف)، سازمان علمی و فرهنگی (یونسکو)، سازمان خوار و بار و کشاورزی (فائو)، سازمان بین‌المللی کار، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و ده‌ها ارگان فرعی دیگر وابسته به آن سازمان و گسترش روزافزون

سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی (مانند آسه‌آن، اکو و...)، نیز ایجاد سازمان‌های بین‌المللی دیگر مانند اتحادیه اروپا و مجمع کشورهای مشترک‌المنافع، سازمان وحدت افریقا، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و تأسیس «گات» (Gat) و در پی آن سازمان تجارت جهانی (Wto) در ۱۹۹۵، همگی نشان از نزدیک شدن ارتباطات جامعه بشری است.

وضعیت جهانی شدن با رشد تکنولوژی و ارتباطات همراه بوده که موجب فشردگی زمان و مکان، هم‌جواری مجازی، کش آمدن مناسبات اجتماعی در طول مکان، کوچک شدن جهان و در نهایت به تعبیر مارشال مک لوهان، پیدایش «دهکده جهانی» شده است؛ یعنی ساکنان آن می‌توانند با یکدیگر در ارتباط مستقیم باشند.

مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن از جمله مفاهیمی است که در سه ده اخیر تداول یافته و علاوه بر عرصه مراکز علمی و تحقیقاتی، اذهان بسیاری از مردم و جهانیان را به خود مشغول داشته است. به تعبیر مالکوم واترز، تا همین ۱۰ سال پیش، اگر جامعه‌شناسی می‌خواست کتابی درباره جهانی شدن بنویسد، به دلیل درک نکردن این مفهوم و مشکلات بسیار دیگر، قادر به انجام این کار نبود. (واترز، ۱۳۷۹: ۹) اما سیر تحول تکنولوژی در عرصه ارتباطات و پیدایش انقلاب اطلاعات، زمینه گذر از محدودیت‌های جغرافیایی - ملی را فراهم ساخته و واژه جهانی شدن در طول دهه ۷۰ میلادی، به تدریج مورد استفاده محافل علمی و دانشگاهی قرار گرفت.

تحول شتابان علوم اجتماعی نیز باعث شده است که مفهوم جهانی شدن به موضوع روز دهه‌های پایانی سده ۲۰ و سال‌های آغازین سده ۲۱ تبدیل شود. اگر چه واژه «Global» به معنای جهانی، قدمتی بیش از چهار صد سال دارد اما اصطلاح‌هایی مانند Globalization, Globalizing, Globalize از حدود ۱۹۶۰ رواج یافته است. (همو: ۱)

واژه «Globalization» از «Globe» گرفته شده است. در فرهنگ جامع بریتانیکا در تعریف «Globe» چنین آمده است: «یک فضا یا کره‌ای که شامل نقشه زمین بر روی آن می‌شود.» در فرهنگ آکسفورد، در توضیح این واژه آمده است: «این واژه به معنای عملکرد یا اقدام برای جهانی کردن است.» (امام جمعه، ۱۳۸۷: ۷)

در فرانسه به عنوان معادل کلمه «Globalization» از کلمه «Mondialisation» استفاده کرده‌اند و آلمانی‌ها به آن «Globalisierung» می‌گویند. در اسپانیا و امریکای لاتین نیز از خود واژه «Globalisacion» استفاده می‌کنند. (گیدنز، ۱۳۸۱: ۵) هرچند در سنت اسلامی ما تعبیر جهانی شدن به کار نرفته است، اما تعبیری چون حکومت جهانی اسلام، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و... مفاهیمی کاملاً مأنوس و آشنا به ذهن هستند.

تعاریف جهانی شدن

درباره جهانی شدن، تعریف‌های گوناگونی عرضه شده است. واقعیت آن است که شاید نتوان برای این پدیده نوظهور به دلیل ابعاد گوناگون و ماهیت نوشونده و دگرگون‌شونده آن، تعریف واحد و جامعی ارائه کرد. از این‌رو درباره جهانی شدن میان دانشمندان توافق نظر وجود ندارد؛ زیرا این پدیده به حد نهایی تکامل خود نرسیده است و هر روز چهره تازه‌ای از ابعاد آن نمایان می‌شود.

برخی از دانشمندان از تعبیر «فشردگی جهان»، «وابسته‌تر شدن بخش‌های مختلف جهان»، «افزایش وابستگی و درهم‌تنیدگی جهانی». (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۸) «ادغام همه جنبه‌های اقتصادی در گستره‌ای جهانی» (Hirst & Thompson, 1996: 48)، «پهناتر شدن گستره تأثیرگذاری و تأثیرگذاری کنش‌های اجتماعی» و «آزادسازی دولت‌ها و کاهش محدودیت آن‌ها در فعالیت میان کشورهای مشابه دیگر» (Sander, 1996: 27) برای تعریف‌های خود از جهانی شدن استفاده کرده‌اند.

مارتین آلبرو، در تعریف جهانی شدن می‌گوید:

فرآیندهایی که تمام مردم جهان را در یک جامعه واحد فراگیر جهانی به یکدیگر پیوند می‌دهد. (نکویی سامانی، ۱۳۸۶: ۳۰)

کوتکوئیچ و کلنر، جهانی شدن را برای توصیف روندی به کار می‌گیرند که اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می‌دهند و به خلق یک بازار نوین جهانی، سازمان‌های سیاسی فراملی جدید و فرهنگ جهانی تازه‌ای می‌پردازند. (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۵)

به‌طور کلی می‌توان تعاریف ارائه شده را به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول، جهانی شدن به معنای عام و در چارچوب کل تحولات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی را در نظر می‌گیرند و دسته دوم، در تعریف جهانی شدن بیش‌تر به بعد اقتصادی آن توجه کرده‌اند.

تعاریف زیر وابسته به دسته اول هستند:

مک گرو می‌گوید:

جهانی شدن عبارت است از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام کنونی انجامیده است و فرآیندی که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های دیگر کره زمین داشته باشد. در واقع افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها و در نتیجه فراتر از جوامع دامن می‌گستراند نظام جدید جهانی را می‌سازند. (مالک، ۱۳۸۲: ۲۵)

آنتونی گیدنز جهانی شدن را این‌گونه تعریف می‌کند:

تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان که مکان‌های دور از هم را چنان به هم مرتبط می‌سازد که رخداد‌های هر محل، زاده حوادثی است که کیلومترها دورتر به وقوع می‌پیوندد. (هلد و مک گرو، ۱۳۸۲: ۲۵)

مالکوم واترز نیز معتقد است:

جهانی شدن، فرآیندی اجتماعی است که در نتیجه آن، محدودیت‌های جغرافیایی و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی متحول و برچیده می‌شوند و به تشدید آگاهی عمومی منجر می‌شود. (واترز، ۱۳۷۹: ۱۲)

دسته دوم تعریف‌ها، تنها به جهانی شدن اقتصاد اشاره دارند. گروگمن و رنه بالز، جهانی شدن را گسترش بین‌المللی مناسبات تولیدی و مبادله سرمایه سالانه می‌دانند. لئوارد معتقد است، جهانی شدن وضعیتی است که رفاه یک مرد یا زن عادی، دیگر فقط به عملکرد دولتشان وابسته نیست. (ثانی، ۱۳۸۲: ۳۰)

جان تامیلنسون نیز با تمرکز بر پیچیده شدن ارتباط در عصر جهانی شدن آن را با مدرنیته پیوند زده و معتقد است که جهانی شدن شبکه‌ای به سرعت گسترش یابنده و همیشه متراکم شونده از پیوندهای متقابل و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌رود. (تامیلنسون، ۱۳۸۱: ۱۴)

رابرتسون نیز با تأکید بر آگاهی، جهانی شدن را چنین تعریف می‌کند:

مفهوم جهانی شدن به درهم فشردن جهان و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد. (رابرتسون، ۱۳۸۱: ۳۵)

تاریخچه جهانی شدن

اگرچه واژه جهانی «Global» بیش از چهارصد سال قدمت دارد، اما مفهوم جهانی شدن از حدود سال ۱۹۶۰ رواج یافته است و به تدریج وارد محافل علمی شده است. به گفته رابرتسون، این مفهوم تا اوایل یا شاید اواسط دهه ۱۹۸۰ اعتبار علمی چندانی نداشت، ولی از آن به بعد کاربرد این مفهوم کاملاً جهانی شده است، به گونه‌ای که هم‌اکنون ردیابی و بررسی نحوه انتشار آن در سراسر جهان ناممکن است. (مارتین، ۱۳۸۱: ۳۳)

دیگر گریز یا عقب‌نشینی از آن هم متصور نیست یا به نظر آنتونی گیدنز، استاد اقتصاد دانشگاه لندن، بسیار پیچیده‌تر و متمرکزتر از آن است که بتوان ادعای کنترل بر آن را کرد. (صانعی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۴)

در واقع اصطلاح جهانی شدن به تألیف دو کتابی برمی‌گردد که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد. کتاب اول با نام **جنگ و صلح در دهکده جهانی** تألیف مارشال مک لوهان و کتاب دوم، **جامعه جهانی** نوشته برژینسکی مسئول سابق شورای امنیت ملی امریکا در دوران ریاست جمهوری

جیمی کارتر بود. مباحث کتاب اول به نقش تحولات وسایل ارتباطی در تبدیل شدن جهان به دهکده واحد جهانی پرداخت. مک لوهان در این کتاب تمدن را به سه دوره تقسیم می‌کند:

۱. تمدن شفاهی یا کهکشان شاهی؛ ۲. تمدن مکتوب یا کهکشان گوتنبرگ که با اختراع چاپ آغاز گردید؛ ۳. تمدن الکترونیک یا کهکشان مارکنی که با اختراع رادیو توسط مارکونی شروع می‌شود.

مک لوهان معتقد است جهان امروز به سوی دهکده قدیم (تمدن شفاهی) پیش می‌رود؛ زیرا ارتباط افراد به صورت چهره به چهره بیش‌تر فراهم گردیده و فرهنگ شفاهی توسط رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... اشاعه پیدا می‌کند.

مک لوهان با نظریه دهکده جهانی خود این امر را گوشزد کرد که ارتباط افراد جهان با یکدیگر بسیار نزدیک و متقارن گردیده، به‌طوری که ارتباط چهره به چهره عملاً به منصف ظهور رسیده است. (دعایی و عالی، ۱۳۸۴: ۹ - ۱۲)

رونلد رابرتسون تاریخچه جهانی شدن را با تحولات مهم جهانی که وی از آن به عنوان مراحل پنج‌گانه تعبیر می‌کند، تفسیر و تحلیل می‌نماید. به نظر وی روند شکل‌گیری جهانی شدن تدریجی و طولانی بوده که از قرن ۱۵ آغاز و تا قرن ۲۱ ادامه یافته است. به عقیده رابرتسون جهانی شدن مراحل زیر را پشت سر نهاده است:

۱. مرحله نطفه‌ای که از اوایل قرن ۱۵ تا قرن ۱۸ در اروپا ادامه داشت و شامل رشد اجتماعات ملی و گسترده‌گی حیطه کلیسای کاتولیک، نظریه خورشید محوری جهان، پیدایش جغرافیایی جدید و گسترش تقویم گریگوری بود.

۲. آغاز جهانی شدن که از نیمه قرن ۱۸ تا دهه ۷۰ قرن ۱۹ ادامه یافت. در این مرحله، گرایش شدید به مفاهیم ذیل است: نظام سیاسی دولت - محور، تبلور انگاره روابط رسمی بین‌المللی و فراملی، تلقی فرد به عنوان شهروند، تأکید فراوان بر حقوق انسان و حقوق شهروندی، گسترش پیمان‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، ایده تشکیل مجامع بین‌المللی و ترازبندی موضوع‌ها در چارچوب ملی و بین‌المللی.

۳. مرحله خیزش که از ۱۸۷۰ میلادی شروع شد و تا دهه بیست قرن بیستم ادامه یافت. در چنین مقطعی، چهار مرجع اصلی مطرح است: جوامع ملی، فرد، جامعه بین‌المللی و بشریت (به عنوان یک مجموعه واحد). نمودهای جهانی شدن در این دوره عبارتند از: حکومت‌های مبتنی بر محور دولت - ملت، رشد ارتباطات بین‌المللی، طرح نظریه حقوق بشر واحد و رسمیت یافتن مفهوم بشر در سطح بین‌المللی، رشد جنبش‌های وحدت جهانی و پدیده جنگ جهانی اول.

۴. مرحله‌ای است که در آن، شاهد شکل‌گیری جامعه ملل و سازمان ملل متحد، پدیده جنگ جهانی دوم و دوره طولانی جنگ سرد و ظهور کشورهای جهان سوم و پدیده استعمار هستیم.

۵. این مرحله که رابرتسون پدیده جهانی شدن را به معنای خود در این معنا به کار می‌برد، مرحله بالاترین بلاتکلیفی است که از اواخر ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد و از اوایل دهه نود قرن بیستم عوارض بحرانی در آن نمودار گردید و شامل بالا گرفتن آگاهی نسبت به جهان، تبدیل حقوق مدنی به مسئله‌ای جهانی، افزایش دل‌مشغولی نسبت به بشریت به عنوان یک نوع ویژه از طریق جنبش‌های زیست‌محیطی، صعود به ماه، تحکیم ارزش‌های تثبیت مدرنیسم، پایان جنگ سرد، رشد نظام ارتباط جمعی و رشد اسلام‌گرایی به مثابه جنبش ضدجهانی شدن بوده است. (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۱۳۱ - ۱۳۳)

به عقیده پل سوئیزی، جهانی شدن وضعیت یا پدیده‌ای نوظهور نیست، بلکه روندی است که برای مدتی بسیار طولانی جریان داشته است. در واقع از زمانی که سرمایه‌داری به عنوان یک شکل قابل دوام جامعه انسانی و روشی برای جوامع غربی جریان یافت، فرآیند جهانی شدن نیز آغاز شد. (سوئیزی، ۱۳۸۰: ۷)

عوامل مؤثر بر پدیده جهانی شدن

پدیده جهانی شدن، رویدادی ناگهانی و جدید نیست، بلکه از گذشته به شکل‌های مختلف وجود داشته و اکنون سیر صعودی یافته است. انتشار نظریه دهکده جهانی مارشال مک لوهان (۱۹۶۵)، انتشار نظریه موج سوم آلون تافلر (۱۹۷۸)، پایان جنگ سرد (۱۹۸۹)، اتحاد پولی ۱۱ کشور اروپایی (۱۹۹۸) و... همگی از پیش‌زمینه‌های بروز پدیده جهانی شدن هستند که هرچه زمان پیش‌تر می‌رود، شدت و قدرت آن نیز بیش‌تر می‌شود. نمی‌توان به سادگی جهانی شدن را تابع مستقیمی از خواست یا اراده فرد یا گروهی خاص دانست، بلکه عوامل گوناگونی در ایجاد آن تأثیر دارند. برخی از موارد زیر را می‌توان از عوامل مؤثر بر موج نوین جهانی شدن دانست، هرچند بسیاری از موضوع‌های مورد اشاره را می‌توان عامل مؤثر بر جهانی شدن یا پیامد حاصل از جهانی شدن محسوب کرد و تمایز علی یا معلولی آن نسبت به جهانی شدن دشوار است. این موارد عبارتند از:

۱. توسعه فن‌آوری، رشد علم و گسترش سریع دنیای ارتباطات که به واسطه پیشرفت‌های علمی، اکتشافات جدید و سرعت روزافزون توسعه دانش بشری در قرن ۲۰ و به‌ویژه چند دهه اخیر رخ داد، موجب کمک به تراکم و انسجام بیش‌تر دنیای بشری شد.

۲. توسعه بازار آزاد، جهانی شدن بازارها و اقتصاد جهانی که خود مرهون افزایش چشمگیر تولید جهانی، توسعه صادرات، گسترش حمل و نقل دریایی و ریلی، تغییرات جدی در ابزارها و شیوه تولید، تولید انبوه و... بود. (Peck, 1998: 25)

۳. جهانی شدن به عنوان بین‌المللی شدن؛ این مفهوم، جهانی شدن را در محدوده افزایش روابط بین سازمان‌ها در کنار مرزها می‌داند؛ یعنی هویت‌ها و اجتماع‌هایی که در ورای مرزهای

قلمرو ملی گسترش می‌یابند. این به معنای باز شدن مرزها با از میان برداشتن موانع دولتی است، به گونه‌ای که مبادلات مالی، ارتباطی، تجارت و روابط فرهنگی را سرعت بخشید. ویژگی فاقد مرز بودن به وسیله اقتصاد جهانی یکپارچه، حکومت جهانی و فرهنگ جهانی متجانس و نیز با کاربرد مدیریت نظام جهانی مصداق خواهد یافت. (دعایی و عالی، ۱۳۸۴: ۳۵)

۴. رشد دانایی بشر سبب شده انسان بیش از پیش بر محیط و طبیعت اطرافش مسلط شده و بر صنعت و جنبه‌های دیگر زندگی بشر تأثیر گذارد و ارتباطش را تسهیل کند و بیش از پیش، حضور در دنیای متراکم را احساس کند این مهم به رشد فرآیند جهانی شدن، کمکی شایان کرده است.

بنابراین، مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، سبب شکل‌گیری و تداوم و تقویت موج جدید جهانی شدن شده‌اند. از سوی دیگر، بستر فکری و اندیشه‌ای مناسب نیز در قالب آرا و عقاید حامیان این پدیده شکل می‌گیرد. (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۶)

ابعاد جهانی شدن

در بررسی ابعاد و وجوه جهانی شدن، توجه به ماهیت چندبعدی و مرکب این پدیده ضروری است؛ زیرا جهانی شدن، روندی از دگرگونی را به نمایش می‌گذارد که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و دانش، فرهنگ و شیوه زندگی را نیز دربر می‌گیرد. آرژان آپادورای با طراحی مدلی پنج بعدی از حوزه‌های مختلف قومیتی، فن‌آورانه، مالی، ارتباطی و ایدئولوژیک، معتقد است که فرهنگ جهانی از این پنج حوزه عبور می‌کند: (توحیدفام، ۱۳۸۲: ۱۶۷)

۱. بعد فنی و تکنولوژیک

در پی انقلاب صنعتی اول در قرن هجدهم که موجب تحول در فن‌آوری تولید شد، انقلاب صنعتی دوم در نیمه دوم قرن نوزدهم، تحولی در فن‌آوری توزیع و ارتباط ایجاد کرد و اینک در دهه‌های انتهایی سده بیستم و ابتدای سده بیست و یکم انقلاب صنعتی سوم، نوید بخش تحولاتی نوین در حوزه ارتباط و اطلاعات است.

۲. بعد اقتصادی

جهانی شدن اقتصادی روندی است که تحت تأثیر اتفاقات مختلفی چون پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک، انقلاب صنعتی، ظهور قدرت‌های جدید صنعتی، رشد سریع تجارت و گسترش ارتباطات در سطح جهان تولد یافته است.

۳. بعد سیاسی

منظور از جهانی شدن سیاست آن است که مسائل و مباحثی که پیش از این به حیطه داخلی و حاکمیت دولت‌ها تعلق داشت، با گذشت زمان ابعاد جهانی بیش‌تری می‌یابد. بیش از این، وجود

مرزهای فرهنگی — هویتی که با دخالت دولت‌ها تقویت می‌شد سبب تنوع و تفاوت جدی فرهنگ‌ها در میان اقوام و ملل مختلف می‌گردید، اما جهانی شدن به تدریج این مرزها را کم‌رنگ‌تر ساخت و کمک کرد تا با نفوذپذیر کردن مرزهای ملی، فرهنگ مردم تا حدی مستقل از دولت — ملت‌ها تغییر یابد. بدین ترتیب، جهانی شدن سعی در ایجاد نوعی فرهنگ سیاسی مشترک میان همه افراد بشر دارد. نظریاتی چون «پایان تاریخ» فوکویاما (Fukuyama, 1992: 42 - 44) مؤید این دیدگاه است که جهان به سمت فرهنگ سیاسی واحدی حرکت می‌کند.

۴. بعد اجتماعی

جهانی شدن، علاوه بر ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به لحاظ اجتماعی نیز تأثیر بسزایی بر زندگی بشر گذاشته است. مهاجرت‌های گسترده که در اثر گسترش ارتباطات، افزایش یافته و نیز توجه جدی و جهانی به مسائل زیست‌محیطی از این جمله‌اند که هر یک موجب شکل‌گیری توافقی‌ها و سازمان‌های مختلف فراملی برای پرداختن به آن‌ها شده است. (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

۵. بعد فرهنگی

در عصر حاضر، با پیدایش وسایل ارتباطی نوین همچون رسانه‌های الکترونیکی، جهانی شدن فرهنگ، بار خاص خود را پیدا کرده و آثار تسریع‌کننده ارتباطات الکترونیکی و حمل و نقل سریع، موجب ایجاد تأثیر ساختاری‌ای شده است که مک لوهان آن را انفجار اطلاعات می‌نامد، (McLuhan, 1964: 185) به نحوی که هر انسانی می‌تواند حوادث و مناظری را که بسیار دورتر از وی هستند، احساس و امور مربوط به دیگر افراد بشر را مشاهده کند. وی نام این پدیده جدید را «دهکده جهانی» می‌گذارد. (Ibid.: 93) رابرتسون در بحث از جهانی شدن، علاوه بر تأکید بر تراکم زمان و مکان به عنوان ویژگی این پدیده، از ایده آگاهی جهانی و تشدید آن در خلال روند جهانی شدن یاد می‌کند و به این ترتیب، جایگاه خاصی را برای بعد فرهنگی جهانی شدن قائل می‌شود. (Robertson, 1992: 8) از میان ابعاد مطرح شده، تنها جنبه فرهنگی، در ادامه این نوشتار، بررسی خواهد شد.

تعریف فرهنگ

به‌طور کلی از دیدگاه‌های متفاوت تعاریف مختلفی از فرهنگ صورت گرفته است که در این نوشتار، به دو تعریف مهم از بین تعاریف ارائه شده درباره این واژه می‌پردازیم. برای مثال، تایلور^۱ (۱۸۷۱) فرهنگ را این‌گونه تعریف می‌کند:

1. Tylor.

فرهنگ یا تمدن کلیت درهم تافته‌ای شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد. (اُشوری، ۱۳۵۷: ۳۹)

بوگاردوس^۱ (۱۹۳۰) نیز چنین بیان می‌کند:

فرهنگ، مجموع راه و رسم‌های عمل و اندیشه یک گروه اجتماعی در گذشته و حال به شمار می‌رود و عبارت است از مجموع فراداده‌ها یا باورها و نیز رسوم و رویه‌های رسیده از نسل پیشین. (همو: ۴۹)

مؤلفه‌های فرهنگ

۱. جهان‌بینی و باورها

نخستین مؤلفه و زیرین‌ترین لایه فرهنگ، جهان‌بینی است (افروغ و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۰) که شامل یک سلسله اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ در مورد جهان و انسان و به‌طور کلی درباره هستی است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۱۲)

۲. ارزش‌ها

ارزش‌ها، ملاک داوری است و بین خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و درستی و نادرستی، ارزش‌گذاری می‌کند. (افروغ و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۰)

۳. هنجارها یا الگوهای رفتاری

سومین مؤلفه و لایه فرهنگ، هنجارها هستند. هنجار، از مفاهیم اساسی است که در جامعه‌شناسی به کار می‌رود (ربانی، ۱۳۸۸: ۷۸) و به معنای مقیاسی است که اگر چیزی بخواهد در شبکه کلی‌تری قرار گیرد، باید مقیاسش با آن شبکه متناسب باشد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۸۱)

جهانی شدن فرهنگی

با وجود تنوع و تفاوت گسترده میان رابطه فرهنگ و جهانی شدن یا واکنش‌های فرهنگی به این فرآیند، می‌توان آن را به چهار دسته تقسیم کرد:

الف) همگونی فرهنگی

همگونی فرهنگی عبارت است از نوعی استحاله و انفعال که در آن فرهنگ‌ها منفعل می‌شوند. برخی نظریه‌پردازان برآنند که جهانی شدن اقتصادی، سلطه نظام جهانی سرمایه‌داری و شرکت‌های چندملیتی، نوعی جهانی شدن فرهنگی را در پی دارد. این برداشت از جهانی شدن، همان امپریالیسم فرهنگی است که فرآیند جهانی شدن را در خدمت گسترش نوعی فرهنگ

1. Bogardus.

مصرفی می‌داند. (ربانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷ - ۱۲۸) لایبز^۱ جهانی شدن را سلطه بی‌چون و چرای تمدن غرب قلمداد می‌کند و استیلا را همان چیزی می‌داند که در لوس‌آنجلس بسته‌بندی می‌شود، سپس به دهکده جهانی ارسال می‌گردد و در مغز انسان‌های بی‌گناه می‌نشیند. (قراگوزلو، ۱۳۸۱: ۸۰)

ب) خاص‌گرایی فرهنگی

در نقد نظریه همگون‌سازی یا یکپارچه‌سازی فرهنگی، برخی نظریه‌پردازان مدعی هستند که واکنش فرهنگی در برابر فرآیند جهانی شدن به هیچ روی انفعال، استحاله و تسلیم نیست. در بیش‌تر موارد، واکنش فرهنگ‌ها با مقاومت و حتی مقابله پرتنش همراه است که معمولاً در قالب توسل به عناصر هویت‌بخش زبانی، دینی، قومی و نژادی نمود می‌یابد. به بیان دیگر، فرآیند جهانی شدن در عین حال که جنبه‌هایی از زندگی در دنیای مدرن را یکدست می‌کند، تفاوت‌های فرهنگی و هویتی را نیز تقویت و احیا می‌نماید. (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۸۴)

دسته‌ای از خاص‌گرایی‌های فرهنگی، خاص‌گرایی‌های قومی است و دسته دیگر از خاص‌گرایی‌های فرهنگی بر محور دین و سنت‌های دینی شکل می‌گیرد که این جنبش‌های خاص‌گرایانه را بنیاد گرایی دینی می‌نامند. (همو: ۸۶) امروزه بهره‌برداری جهانی از محصولات هنری و امکان عرضه و استفاده جهانی از اندیشه‌ها برخی مصادیق از جهانی شدن فرهنگ است، اما به‌رغم این ویژگی‌ها، کم‌تر کسی معتقد است که فرهنگ‌های بومی و محلی در این فرآیند نابود خواهند شد. (سلیمی، ۱۳۸۰: ۷۶)

ج) آمیزش و تحول فرهنگی

سومین واکنش به فرآیند جهانی شدن، آمیزش و تحول فرهنگی است. در این نگرش، اعتقاد بر آن است که نوعی هم‌زیستی و اختلاط فرهنگی در صحنه جهانی امکان دارد و بر اثر فرآیند جهانی شدن و نزدیک شدن فاصله‌ها، فرهنگ‌ها و هویت‌های موجود در کنار هم قرار می‌گیرند که نتیجه آن، نوعی هم‌زیستی و رقابت است. (ربانی، ۱۳۸۸: ۱۳۵) رابرتسون، مفهومی را با عنوان جهان‌شمولی امر محلی و محلی شدن امر جهانی پیش می‌کشد و هدف او آن است که نشان دهد این فرآیند تمامی پدیده‌های خاص و فرهنگ‌های بومی را نابود نخواهد کرد، بلکه در بستر جهانی، جایگاه و چهره‌ای جدید به آن‌ها خواهد بخشید. (سلیمی، ۱۳۸۰: ۸۷)

د) گزینش با آگاهی و انتخاب

به نظر می‌رسد دیدگاه چهارمی را با عنوان گزینش با آگاهی و انتخاب می‌توان مطرح ساخت. در این زمینه، نه هم‌زیستی و آمیزش مطلق در جامعه، بلکه هم‌زیستی به شکل گزینش آگاهانه

1. Libes.

از میان عناصر مورد نیاز، امری مطلوب است. جامعه در فرآیند جهانی شدن فرهنگ باید چنان قدرتی داشته باشد که مرعوب جوامع دیگر نشود و بتواند آگاهانه دست به انتخاب عناصر فرهنگی مطلوب بزند. بنابراین به نظر می‌رسد بهترین گزینه در رویارویی با فرآیند جهانی شدن، گزینش عناصر فرهنگی جوامع با انتخاب آگاهانه است که لازمه آن، برخورداری از فرهنگی قوی است که بتواند بنیان‌های فرهنگ خودی را در اعضای جامعه تقویت و نهادینه سازد و توان مقاومت با فرهنگ‌های بیگانه در عرصه جهانی را داشته باشد.

تا بدین‌جا به بیان ویژگی‌های مشخص و معروف پدیده جهانی شدن پرداختیم و در ادامه، دیدگاه جامعه مهدوی را در ارتباط با رویکردهای مطرح شده در بالا از دیدگاه آیات قرآن و روایات و احادیث اسلامی بررسی می‌کنیم. (ربانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷)

حکومت جهانی حضرت مهدی (مهدویت) و آینده فرهنگی جهان

در بینش اسلامی (آیات قرآن و احادیث اسلامی)، تشکیل حکومت جهانی مطرح است، اما نه به این معنا که ملت‌ها و اقوام دیگر وجود خارجی نداشته باشند و یا ماهیت آن‌ها از نظر بینش اسلامی زیر سوال رود. از این‌رو هرچند اسلام تشکیل امت واحد جهانی - اسلامی را نوید داده است، آن را منوط به نابودی ملت‌ها نمی‌داند، بلکه معیار امت واحد از نظر اسلام، داشتن عقیده توحیدی است. اسلام به جامعه جهانی با حفظ ملیت‌های مختلف معتقد است، نه حذف آن ملیت‌ها. (صوفی‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۹) با توجه به آموزه‌های اشاره شده در آیات قرآن کریم و روایات و احادیث دین اسلام، فرهنگ در عصر جهانی شدن مهدوی، هم به اشتراکات توجه دارد و هم به تفاوت‌های فرهنگی و این در حالی است که هیچ‌کدام را برای رسیدن به دیگری از سر راه بر نمی‌دارد؛ زیرا از طرفی تنوع و تفاوت فرهنگی باعث نشاط جامعه می‌گردد و از دیگر جهت، حذف این تفاوت‌های فرهنگی، بازتاب‌های سیاسی و اجتماعی انکارناپذیری در جامعه دارد و همچنین وجود عناصر وحدت‌بخش فرهنگی در جامعه، سبب می‌شود همه افراد در یک مسیر و دارای انسجام و همبستگی اجتماعی باشند. (ربانی، ۱۳۸۸: ۱۹۷)

در روزگار جهانی شدن مهدوی، در زیرساخت‌ها که جهان‌بینی (باورها)، ارزش‌ها و هنجارها را دربر می‌گیرد، نوعی همسانی یا وحدت فرهنگی وجود دارد؛ زیرا ویژگی‌های این جامعه عبارت است از فراگیری اموری مانند جهان‌بینی الهی و توحیدی، هنجارهای اسلامی - دینی و هنجارهای اخلاقی.

در دوران ظهور حضرت مهدی (عج)، یکپارچگی و یگانگی واقعی که همان جهان‌بینی الهی و توحیدی است بر همه جوامع حاکم خواهد شد و بر اساس این جهان‌بینی، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در تمام فرهنگ‌ها وجود خواهد داشت. راه و روش او که بر عدل و حق استوار است با

فطرت و سرشت انسان‌ها نیز هماهنگ و سازگار است و همگان زیر پرچم توحید و ایدئولوژی اسلامی و دین واحد گرد می‌آیند. (ربانی، ۱۳۸۸، ۲۰۴ - ۲۰۵) امام علی علیه السلام می‌فرماید: ... ای مالک، در این زمان قائم ما قیام کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد آورد. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۶)

ویژگی‌های فرهنگی جامعه جهانی حضرت مهدی علیه السلام (مهدویت)

۱. رشد علم و آگاهی

در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام بشر چنان در پی فراگیری علم و دانش خواهد بود که امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: در زمان مهدی علیه السلام به همه شما حکمت و علم بیاموزند، تا آن‌جا که زنان در خانه‌ها با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۲، ح ۱۰۶)

۲. فراگیر شدن جهان‌بینی الهی - توحیدی

یکی دیگر از ویژگی‌های عصر ظهور، فراگیر شدن اصل توحید و ایمان به وحدانیت خداوند است. در این باره در بخشی از کلام امام محمد باقر علیه السلام آمده است: به خدا سوگند، [حضرت مهدی و یارانش] می‌جنگند تا این‌که خداوند به یگانگی خوانده شود و هیچ شریکی برای او قرار نگیرد. (همو: ج ۵۲، ۳۴۵)

در حدیث دیگری که امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله امامان پیش از خود نقل می‌کند، خداوند می‌فرماید: به عزت و جلالم قسم... چنان وی را با لشکریان خود یاری دهم که همه مردم بر یگانگی من گواهی دهند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۶۱)

۳. فراگیری هنجارهای اسلامی - دینی

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام مردم به کارهای عبادی و شرعیات و دین‌داری و نماز جماعت‌ها روی می‌آورند و کسی باقی نمی‌ماند که به خاندان پیامبر کینه و دشمنی ورزد. (همو: ۴۷۴)

۴. فراگیری هنجارهای اخلاقی

از ویژگی‌های عصر ظهور، فراگیری هنجارهای اخلاقی در جامعه مهدوی است. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: هنگامی که قائم ما قیام می‌کند... کینه‌های بندگان نسبت به یکدیگر از دل‌هایشان زوده می‌گردد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۱۶، ح ۱۱: ج ۱۰، ۱۰۴؛ صدوق، ۱۳۸۹: ج ۲، ۵۴۱)

همچنین در این باره بیان شده است زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام می کند، خداوند غنا و بی نیازی را در دل بندگان می نهد، به گونه ای که حضرت اعلام می کند هر کس به مال و ثروت نیاز دارد بیاید، ولی کسی برای آن، پیش قدم نمی شود. (ابن طاووس، ۱۴۲۳: ۶۴)

حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام

ایده جهان شمولی یا تشکیل حکومت واحد جهانی برای نخستین بار از سوی دین ارائه شده است و تمامی ادیان بزرگ، مردم را برای تشکیل امتی واحد، دعوت کرده اند. رابرتسون، می نویسد:

ایده این که جهان به صورت یک جامعه واحد درآید و یا حداقل به صورت بالقوه این چنین شود، تاریخی طولانی داشته که در آن سخن از بهشت جهان شمول در روی زمین و یا پادشاهی خداوند بر روی زمین گفته شده است. در برخی از جنبش های جدید مذهبی نیز گام هایی مشخص برای دستیابی به سازمان های جهان شمول مذهبی، برداشته شده است. (رابرتسون، ۱۳۸۱: ۱۸۶)

از نظر آیات قرآن و روایات اسلامی، دین اسلام - به عنوان کامل ترین دین - به بهترین شکل می تواند پاسخگوی نیازهای انسان و جهان و از بین برنده کاستی ها و مشکلات باشد، هرچند واترز می گوید:

طی قرون متمادی، مذاهب بزرگ جهان، یعنی اسلام، مسیحیت، بوداییسم و هندویسم، مجموعه ای از ارزش های خاص را به پیروان خود عرضه داشته اند که هم از اقتصاد و هم از حکومت، در مرتبتهای بالاتر قرار گرفته است، به خصوص که این مذاهب مفهومی جهان گرایانه از رسالت بودند. (هنیس، ۱۳۸۱: ۲۴۲)

اسلام می خواهد تمام اختلاف ها و جدایی هایی که به نام های گوناگون پدید آمده اند، به وسیله عقیده توحید از میان ببرد. اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی، زبانی و... همه باید از میان برود و سبب امتیاز و افتخار نباشد. حتی باید اختلافات دینی نیز کنار گذاشته شود و همه تسلیم فرمان خدا باشند. قرآن در این زمینه می فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ﴾؛ (آل عمران: ۶۴)

بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم.

اسلام دینی جهانی است و کلیه دستورها و نظام های اسلامی اعم از نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خانواده، اخلاق و... جهانی اند. جوهر تفکر اسلامی و به خصوص تفکر شیعی، حکومت به شیوه جهانی است نه ملی و نیز جهان بینی اسلامی در مورد جهان، خدا، انسان، تاریخ، جامعه، زندگی، فن آوری و سایر نظامات لازم بشری از این جوهر فکری نشئت می گیرد.

از دیدگاه استاد شهید مطهری، مهدویت یک فلسفه بزرگ جهانی است؛ چون اسلام دینی جهانی است و تشیع به معنای واقعی امری حزبی و ملی یا فرقه‌ای که به گروهی خاص اختصاص داشته باشد، نیست، بلکه تشیع عقیده‌ای جهان‌شمول و مختص به همه انسان‌هاست. وقتی قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) از زمین صحبت می‌کند، نه از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن نژاد. (اباذری، ۱۳۸۳: ۳۷۸)

اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در معنای عام خود، باور فراگیر دینی در بین انسان‌ها بوده است. در ادیان مختلف، این اعتقاد، به نحو ملموس و بارزی تجلی یافته و منجی با تعابیر مختلفی چون «کالکی» در آیین هندو، «مسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و در نهایت، «مهدی (عج)» در فرهنگ اسلامی یاد شده است. (توفیقی، ۱۳۸۷: ۱۱۴ - ۱۲۰)

چنین تعابیر و باورهایی به‌رغم تفاوت‌ها در تأکید بر ظهور یک منجی برای گشودن راه جدیدی فراسوی انسان جهت نیل به سعادت ابدی مشترکند.

در اسلام، به‌ویژه در مکتب تشیع نیز، توجه به آینده و تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس قسط و عدل تحت رهبری امام معصوم، جایگاهی ویژه دارد. اکنون به برخی از آیات و روایات مربوط به این موضوع اشاره می‌کنیم:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

در روایات آمده است که علی (ع) هنگام تلاوت این آیه از یاران خود پرسید: «آیا این پیروزی حاصل شده است؟» گفتند: آری. فرمود:

كَلَّا، هُوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَ يَنَادِي بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَكْرَةً وَ عَشِيًّا؛ (مجمع البيان، ذیل آیه ۴ سوره صف، به نقل از: طاهری، ۱۳۸۲: ۲۰۰)

نه، سوگند به کسی که جانم به دست او است، این پیروزی، آشکار نمی‌شود، تا زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند، مگر آن که صبح و شام بانگ لا اله الا الله از آن به گوش رسد.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

در مجمع‌البیان طبرسی، ذیل این آیه از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود:

آنان، همان یاران حضرت مهدی در آخرالزمان هستند. (طاهری، ۱۳۸۲: ۱۹۹)

بنابراین، اعتقاد به تشکیل حکومت واحد جهانی، از قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام نشئت گرفته که خداوند وعده تحقق آن را داده است.

ضرورت تشکیل حکومت جهانی

وضعیت و نمای کلی جهان، نشان گر این است که خطر جنگ، فقر، نابرابری، پرخاش گری، سودجویی، ظلم و فساد و... جهان را کاملاً تهدید می کند. حالت کنونی مردم جهان، که در ترس و التهاب به سر می برند، کانون اساسی فکری برای تشکیل حکومت واحد جهانی و مایه از بین رفتن هر نوع اختلاف و زایل شدن اسباب جنگ های خانمان سوز است. در سایه چنین حکومتی است که بشر، به سعادت و عزت می رسد و مردم جهان از نعمت های الهی و موهبت های طبیعی، به طور مساوی استفاده می کنند. (کارگر، ۱۳۸۷: ۵۳)

بخش بزرگ تضادهای کشمکش ها، استضعاف ها و استکبارها در کل جامعه بشری، از حکومت ها و درون کاخ ها سرچشمه گرفته و به دست دولت ها و حکم فرمایان در میان انسان ها گسترش می یابد. اینان برای گسترش قدرت و استوارسازی بیش تر پایه های حکومت خود، به جذب منافع بیش تر دست می یازیدند و تضاد و درگیری به وجود می آوردند. نتیجه آن جنگ ها و ویرانی های بسیار و انواع ظلم ها و ستم ها، بهره کشی و سلب آزادی های فردی است. با تأملی نسبت به آینده بشر و خصوصت هایی که میان ملت های مختلف پدید آمده که مانند آتش زیر خاکستر، آبستن فجایعی در آینده بشریت است و خصوصاً با طرح نظریه برخورد تمدن ها که از سوی برخی روشن فکران امریکایی، از جمله «ساموئل هانتینگتون» داده شده، درمی یابیم که چه خطر عظیمی، جامعه بشری را تهدید می کند.

آیت الله مکارم شیرازی در این مورد می فرماید:

کم کم زمانی فرا می رسد که وجود حکومت واحد جهانی برای پایان دادن به کشمکش های روزافزون قدرت های بزرگ، برای کنار زدن دین از لب پرتگاه جنگ، به عنوان یک ضرورت و یک واقعیت اجتناب ناپذیر احساس می گردد که باید سرانجام این مرزهای ساختگی و در دسر ساز برچیده شود و همه مردم زیر یک پرچم و با یک قانون زندگی کنند. (آیتی، ۱۳۸۳: ۳۶۰)

پلوتاک، مورخ و نویسنده یونانی (۴۶ - ۱۲۰ م) می نویسد:

بر مردم است که مجتمع واحدی را تشکیل داده و قانون واحدی را متابعت کنند تا به سعادت برسند. (اباذری، ۱۳۸۳: ۳۸۰)

شهید مطهری این بحث را به عنوان تکامل تاریخ و سیر آن به سوی تحقق جامعه واحد جهانی مطرح می کند و می فرماید:

باید گفت جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر، در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته‌ای است که در آن همه ارزش‌های انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالأخره انسانیت اصیل خود خواهد رسید. (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

اسلام از همان ابتدا با قاطعیت تمام به عنوان وعده‌ای الهی از آینده‌ای بسیار روشن و درخشان خبر داده است که با تکامل فکری و عقلی بشر، جامعه‌ای کامل و پاک به نام جامعه مهدوی در ابعاد جهانی تشکیل خواهد شد.

مقایسه جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج) (با تأکید بر بعد فرهنگی)

پس از روشن شدن معنا و مفهوم جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج) (مهدویت)، اکنون به مقایسه و بررسی وجه اشتراک و تمایز این دو دیدگاه می‌پردازیم.

۱. هرچند پدیده جهانی شدن به سرعت در حال گسترش و پیشروی در عرصه‌های مختلف جهانی است، اما امری مبهم، نارسا و پیچیده است. ژان ماری گینو در این باره می‌نویسد:

وضعیت اجتماعات انسانی در تجربه‌های جهانی شدن، با وضعیت شخص نابینایی قابل مقایسه است که ناگهان بینایی‌اش را به دست می‌آورد و فقط یک اسطوره از عهده شرح هیجاناتی برمی‌آید که این دگردیسی برخواید انگیزت. رویارویی بی‌واسطه فرد با جهانی شدن دنیا سُرآور است، منتها شرایط دموکراسی را از ریشه دگرگون می‌کند. (ماری گنو، ۱۳۷۹: ۱۷)

در حالی که تصویر حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) به روشنی در روایات و احادیث بیان شده و ویژگی‌ها و ساختار و ابعاد این حکومت با دقت هرچه تمام‌تر ترسیم و تبیین گشته است و هیچ‌گونه ابهام و کاستی در آن وجود ندارد.

۲. جهانی شدن از نظر فرهنگی و اجتماعی، ادعای نزدیکی و پیوند فرهنگ‌ها را دارد. اما روشن است که بر خلاف نظر مدعیان، در جهان آینده، یکپارچگی به وجود نخواهد آمد (جنگ تمدن‌ها)؛ زیرا غرب با تحمیل و اجبار مدل‌ها و الگوهای خود بر دیگر فرهنگ‌ها و جوامع، درصدد سلطه بر همه جهان است. آلن دوبنوا می‌نویسد:

ملت‌ها و فرهنگ‌ها عوامل راستین تاریخند. سرمایه‌داری دموکراتیک، اینک صاحب بلامنازع میدان است، اما اشتباهی بزرگ است که فکر کنیم برای همیشه می‌تواند صحنه را کنترل کند و با پیروزی‌اش تاریخ متوقف خواهد شد. (کارتر، ۱۳۸۷: ۶۰)

این برخوردها و تضاد تمدن‌ها، جهان را آبدستن التهاب و تنش می‌کند، در حالی که در عصر ظهور مورد اشاره در روایات اسلامی، نشانی از اختلاف و کشمکش و حتی سلطه‌جویی تمدن‌ها و

فرهنگ‌ها نخواهد بود. جهانی شدن اسلامی مبتنی بر گرایش‌های فکری و منطبق با عقلانیت و معیارها و ارزش‌های انسانی بوده و با آزادی و انتخاب صورت می‌گیرد. (مرقاتی، ۱۳۸۲: ۳۱۶)

۳. یکی از ویژگی‌های برجسته جامعه جهانی موعود، این است که همگان در آن یکتاپرستند و خدا را به یگانگی می‌پرستند و شریکی برای او قرار نمی‌دهند و دین برتر و آیین پذیرفته شده مردم، اسلام خواهد بود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

هیچ آبادی نخواهد ماند، مگر آن که در آن‌جا هر صبح و شام، به یکتایی خدا، شهادت داده خواهد شد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۶۰)

همچنین، قرآن، محور زندگی بشر قرار می‌گیرد. حضرت علی علیه السلام فرمود:

وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ (شریف رضی، ۱۳۸۵: ۱۹۵، خطبه ۱۳۸)

در آن هنگام که مردم قرآن را به رأی خود تفسیر کنند، امام زمان، آرا و نظر مردم را تابع قرآن قرار خواهد داد.

از این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام مشخص می‌گردد که در عصر حکومت مهدی علیه السلام، محور همه‌چیز و همه آرا و عقاید، قرآن خواهد بود، در حالی که در وضعیت جهانی شدن، نه تنها قرآن در جامعه بشری محور نیست، بلکه کوشش می‌شود که قرآن از صحنه خارج شود و اگر هم در برخی از جوامع، حضور کمرنگی دارد، می‌کوشند آیات قرآن را طبق نظر خود تفسیر کنند.

۴. از نظر برخی، جهانی‌سازی باعث ایجاد تعامل و برابری فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع می‌شود و همگان از محصولات فرهنگی و ارتباطات استفاده کرده و در نتیجه تفاوت‌ها و نابرابری‌ها از میان می‌رود. اما از نظر دیوید هلد، رشد ارتباطات جهانی و جریان‌های فرهنگی - بر خلاف آنچه تبلیغ می‌شود - باعث تشدید نابرابری‌ها در عرصه تولید و توزیع کالاها، خدمات و امتیازات شده است. دارندورف نیز ادعا می‌کند: «در این وضعیت تعداد فزاینده‌ای از مردم - به‌ویژه نسل جوان‌تر - از بازار کار طرد خواهند شد.» (کارگر، ۱۳۸۷: ۶۲)، در حالی که رکن اساسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام رفع نابرابری و تبعیض و استفاده کامل از منابع طبیعی جهان خواهد بود.

۵. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام بر مبنای حاکمیت عقل است؛ زیرا عقل انسان‌ها در عصر ظهور به کمال می‌رسد، در حالی که حکومت بر اساس جهانی شدن، بر مبنای هواهای نفسانی و تمایلات فردی شکل می‌گیرد. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۶)

قائم ما به هنگام رستاخیز خویش، [به تأیید الهی] نیروهای عقلانی توده‌ها را تمرکز می‌دهد و خرده‌ها و دریافت‌های خلق را به کمال می‌رساند.

ع. در عصر جهانی شدن، دانش پیشرفته، در انحصار کشورهای خاصی است و این کشورها به دلیل منابع نامحدود خود از انتقال آن به کشورهای دیگر جلوگیری می‌کنند، در حالی که توسعه علمی از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. در حدیثی شریف از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۶)

علم و دانش، بیست و هفت حرف است. تمام آن‌چه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف، کامل و منتشر گردد.

۷. از دیگر معایب و نقص‌های بزرگ جهانی شدن، عدم مدیریت واحد در جهان، ظهور بلوک‌های قدرت و گسترش واحدهای سیاسی قدرتمند و متنازع با هم است. این مشکل در حکومت جهانی به خوبی حل شده و جهان، تحت فرمان آن حضرت است. کشورهای جهان تحت رهبری واحد، اداره و مدیریت خواهند شد و کارگزاران و یاران نزدیک ایشان، حکومت بر واحدهای سیاسی را بر عهده خواهد گرفت، چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مهدی، اصحاب خویش را به تمامی شهرها و بلاد اعزام می‌کند و آنان را به عدالت و احسان فرمان می‌دهد. (کارگر، ۱۳۸۷: ۶۰)

امتیازات حکومت واحد جهانی حضرت مهدی، منحصر به همین موارد مطرح شده نیست، بلکه ما در حد نیاز این نوشتار، به آن اشاره کردیم.

نتیجه

انسان‌های صادق و عدالت‌خواه همواره از وجود فاصله‌ها و تبعیض‌ها به ستوه آمده و با طرح شعار جهانی‌سازی و مدیریت یگانه برای همه انسان‌ها و اقتصاد واحد و داد و ستدی جهانی و بهداشتی جهانی، در این اندیشه بودند که تبعیض‌ها را محو کنند. بهترین تعبیر در این باره و آموزش این معیار، والاسخن امام صادق علیه السلام است:

فَإِنَّكَ إِذَا تَأَمَّلْتَ الْعَالَمَ بِفِكَرِكَ، وَ مَيَّزْتَهُ بِعَقْلِكَ، وَجَدْتَهُ كَالْبَيْتِ الْمَبْنِيِّ الْمَعْدَفِ فِيهِ جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادَهُ... وَ الْإِنْسَانُ كَالْمَمْلُوكِ ذَلِكَ الْبَيْتِ، وَ الْمَخُولُ جَمِيعُ مَا فِيهِ. (الحیاء، ج ۱، ۶۲۵، به نقل از: حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۶)

اگر در اندیشه خود درباره جهان تأمل کنی و به عقل خود درصدد شناخت آن برآیی، آن را همچون خانه‌ای خواهی دید که ساخته و پرداخته شده و هرچه مورد نیاز بندگان بوده در آن

فراهم آمده است و انسان همچون مالک این خانه شده که همه آن چه در آن است به خواست خدا به اختیار وی قرار گرفته است. در این تعالیم اسلامی از کره زمین به بیت و خانه تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و رنگ و زبان و ملیت و طبقه‌ای، مالک این خانه به حساب آمده است. آری، انسان‌ها در طبیعت خود میل به با هم بودن و اجتماعی شدن را دارند. پیامبران الهی از پیشتازان این طرح در اندیشه و عمل بودند، به‌ویژه اسلام که متمدن‌ترین ادیان است. تعبیر ژرف و انسانی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بیان‌گر این حقیقت جاودانه در فرهنگ اسلامی است:

أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ ... فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ. (شریف رضی، ۱۳۸۵: ۴۰۴، نامه ۵۳)

مهرورزی نسبت به مردم و دوست داشتن آنان را در خود نهادینه کن؛ زیرا مردم دو گروهند: یا برادران دینی تو هستند، یا برادران نوعی (انسانی) تو، که در آفرینش همانند تو هستند.

این بخش از نامه به روشنی، نفی تفکر راسیسم^۱، آپارتاید^۲ و الیتسیم^۳ را اعلام کرده و تفکر انترناسیونالیسم^۴ و کاسموپولیتانیسم^۵ که بر مبنای برادری و برابری همه ملت‌ها هستند را تأیید می‌نماید. (شریف رضی، ۱۳۸۵: ۴۰۵)

پدیده جهانی شدن، امری فراگیر، گسترش‌یابنده، پیچیده و دارای آثار و پیامدهای گوناگون در زندگی بشر است، به‌طوری که شرایط زندگی انسان‌ها را در بیش‌تر جنبه‌های آن دستخوش دگرگونی‌های عمیق کرده است. گسترش سریع ارتباطات و نزدیکی جوامع به یکدیگر و تعامل و هم‌فکری در مورد مسائل جهان، بالا رفتن سطح سواد و معلومات، برخی از وجوه مثبت و قابل قبول جهانی شدن است. از این‌رو نمی‌توان گسترش نوآوری‌های اقتصادی در سرتاسر جهان، تغییر و تحولات ارتباطات و تکنولوژی، درهم‌تنیدگی و نزدیکی روابط و افکار و اندیشه‌های بشری و... را نادیده گرفت و نسبت به آن بی‌تفاوت بود. از طرف دیگر، پیچیدگی، مهم و جدید بودن مباحث و موضوعات آن و نیز جنبه‌ها و پیامدهای منفی آن، که رو به فزونی است و این که در پس پرده این روند، عوامل و کارگزارانی قرار دارند، ایجاب می‌کند که با دقت و هوشمندانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

جریان اوضاع جهانی و پیشرفت‌هایی که نصیب بشر در امور مادی شده است و روابط نزدیکی که به واسطه وسایل ارتباط کنونی با هم پیدا کرده‌اند، همه را به یک اتحاد واقعی و همکاری صمیمانه و برادری حقیقی بیش‌تر محتاج کرده است. هرچه جلوتر برویم، این احتیاج را بیش‌تر

1. Racism: نژادپرستی
2. Apartheid: نژادپرستی
3. Elitism: خودبرتری
4. Internationalism.
5. Cosmopolitanism.

احساس می‌کنیم؛ یعنی آن دهکده جهانی که دانشمندان غربی در قرن بیستم احتمالش را داده‌اند، اسلام، در هزار و چهارصد سال پیش، با تأکید فراوان و قطعیت و حتمیت، از آن خبر داده و حتی کیفیت وقوع آن و نحوه حکومت در آن دهکده جهانی و رهبری آن نظام را آشکارا معین کرده است و خبر داده که پیروزی از آن مستضعفان و صالحان است و ایمان بر کفر چیره خواهد شد.

خوشبختانه امروز بحث کردن درباره مسئله حکومت واحد جهانی، از پنجاه سال پیش آسان‌تر است. امروز وقتی صحبت از حکومت واحد جهانی می‌شود، به گوش‌ها آن قدر سنگینی نمی‌کند؛ چون تعبیر دهکده جهانی به عنوان بحثی کاملاً جدی مطرح شده است. همین که صاحب‌نظران دنیا، در اصل تشکیل حکومت واحد جهانی، با مکتب تشیع اسلام هم‌نوا شده‌اند، خود امری ارزشمند است؛ زیرا تا دیروز، تشکیل حکومت واحد جهانی تحت‌نظر امام معصوم، برای دنیا پذیرفتنی نبود و آن را به صورت امری عجیب و باورنکردنی مطرح می‌کردند؛ ولی امروزه، خود، آن را به صورت قطعی و امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. جهانی شدن به روشنی نیاز انسان را به نزدیکی و اتحاد با هم و تشکیل جامعه جهانی واحد آشکار می‌سازد و با رشد و شکوفایی علمی، صنعتی و فکری و احساس نیاز به اتحاد و نزدیکی، جهان به تدریج خود را برای پذیرش حکومت واحد جهانی آماده می‌سازد.

گسترش سریع ارتباطات و نزدیکی جوامع به یکدیگر، امکان گفت‌وگو و تبادل آرا و افکار، استفاده مردم جهان از آخرین اخبار، تعامل و هم‌فکری، بالا رفتن سطح سواد و معلومات، برخی از وجوه مثبت و قابل قبول جهانی شدن است که مدل کامل و مطلوب آن‌ها در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام وجود خواهد داشت. مهدویت اشاره شده در بینش اسلامی (آیات و روایات) به عنوان مدینه فاضله بشر و ظهور منجی موعود لطف و تدبیری الهی برای سرانجام تاریخ است تا آرزوهای بشر در طول قرن‌ها تحقق یابد.

در پایان، برای هرچه بیش‌تر و بهتر پی بردن به عمق غنا و دوراندیشی بینش و تعالیم اسلامی (آیات و روایات) در موضوع سرانجام تاریخ و بشر، پیشنهاد می‌شود این تعالیم که برگرفته از طریق وحی از سرچشمه هستی است، هرچه با عمق و دل‌سوزی بیش‌تری مورد بررسی قرار گیرد تا در نتیجه این تحقیقات و پژوهش‌ها، زوایای گوناگون و مختلف حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام (مهدویت) بهتر و بیش‌تر آشکار شده و در نهایت انسان‌های تشنه حقیقت دنیا را هرچه بیش‌تر با این تعالیم ناب آشنا نماییم.

منابع

۱. اباذری، محمد، «مهدویت در اندیشه متفکر شهید مرتضی مطهری»، فصل نامه/انتظار، ش ۱۱ - ۱۲، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.
۳. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷ ش.
۴. افروغ، عماد و دیگران، «تبادل فرهنگ‌ها، ضرورت‌ها و دورنماها»، مطالعات ملی، ش ۶، ۱۳۷۹ ش.
۵. امام جمعه، فخری، مهدویت و جهانی‌سازی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۷ ش.
۶. آیتی، نصرت‌الله، «اهل کتاب در دولت مهدی (عج)»، فصل نامه/انتظار، ش ۱۱ - ۱۲، ۱۳۸۳ ش.
۷. تامیلنسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه: محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.
۸. توحیدفام، محمد، فرهنگ در عصر جهانی شدن، تهران، روزنه، ۱۳۸۲ ش.
۹. توفیقی، حسین، «هزاره‌گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت»، موعود، ش ۱۷، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. ثانی، رضا، زیر موج جهانی شدن، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. حکیمی، محمد، «جهانی‌سازی اسلامی، جهانی‌سازی غربی»، کتاب نقد، ش ۲۴ و ۲۵، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، اندیشه هادی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. دعایی، حبیب‌الله؛ عالی، مرضیه، سازمان‌ها در بستر جهانی شدن، مشهد، بیان هدایت نور، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. رابرتسون، رونالد، جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه: کمال پولادی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. ربانی، محمدباقر، جهانی شدن، تنوع یا وحدت فرهنگی جامعه جهانی مهدوی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (عج)، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. رضوانی، علی‌اصغر، «فلسفه حکومت عدل جهانی»، فصل نامه/انتظار، ش ۴، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. رفیع‌پور، فرامرز، آنا تومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸ ش.

۱۸. سلیمی، حسین، «جهانی شدن، مصداق‌ها و برداشت‌ها»، مجله مطالعات ملی، ش ۱۰، ۱۳۸۰ش.
۱۹. سوئیزی، پل و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف؟، ترجمه: ناصر زرافشان، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۰ش.
۲۰. شهرام‌نیا، امیرمسعود، جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۵ش.
۲۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر، قم، مؤسسه السیده المعصومه، ۱۴۱۹ق.
۲۲. صانعی‌پور، محمود، استراتژی جهانی شدن شرکت‌ها و مؤسسات، تهران، مؤسسه فرهنگی - هنری بشیر علم و ادب، ۱۳۷۹ش.
۲۳. صدوق، ابی‌جعفر محمد بن علی، الخصال، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۹ق.
۲۴. صوفی‌آبادی، محمود، «اسلام، جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی آن»، مجله اندیشه صادق، ش ۱۶-۱۹، ۱۳۸۳ش.
۲۵. طاهری، حبیب‌الله، «جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج)»، فصل‌نامه انتظار، ش ۷، ۱۳۸۲ش.
۲۶. قراگوزلو، محمد، «جهانی شدن»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۷۷ و ۱۷۸، ۱۳۸۱ش.
۲۷. کارگر، رحیم، جهانی شدن و حکومت حضرت مهدی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۷ش.
۲۸. گل‌محمدی، یحیی، «جهانی شدن و فرهنگ»، مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران، روزنه، ۱۳۸۱ش.
۳۲. مالک، محمدرضا، جهانی شدن اقتصاد (از رؤیا تا واقعیت)، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۴. مرقاتی، سید طه، «جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی»، مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۳۵. مصباح‌یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات، ۱۳۷۹ش.

۳۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۹ش.
۳۷. نکویی سامانی، مهدی، دین و فرآیند جهانی شدن، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶ش.
۳۸. واترز، مالکوم، جهانی شدن، ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹ش.
۳۹. هلد، دیوید؛ مک گرو، آنتونی، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه: عرفان ثابتی، تهران، ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۴۰. هنیس، جف، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم، ترجمه: داوود کیانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
41. Fukuyama, Francis, 1992, " The end of history & The last man ", New york, the free press, pp.42 - 44
42. Hirst. P & Thompson.G, 1996, " Globalization in Question: the International Economy & possibilities of Governance ", Cambridge, Polity Press. p.48
43. McLuhan. M, 1964, " Understanding Media ", London, Routledge, p.185
44. Peck, James foreman, 1998, " Historical Foundations of Globalization ", Edward Elgar Publishing, p.25
45. Robertson. R, 1992, " Globalization: Social theory & Global culture ", London, Sage, p.8
46. Sander. H, 1996, " Multilateralism, Regionalism & Globalization: the challenge to the world trading system ", London, Routledge, p.27